

خادم‌باشی حرم مطهر یار کلنل پسیان بود

رضا سلیمان‌نوری| سال‌های پایانی سده ۱۲خورشیدی یکی از پرحاشیه‌ترین ادوار تاریخ ایران زمین محسوب می‌شود. در این دوران از یک‌سو کشور به‌دلیل ضعف بالای حکومت مرکزی – چه از منظر قدرت نظامی و چه از منظر توانایی اقتصادی – بیشتر به یک مجموعه ملوک‌الطوایفی با یک حکومت مرکزی ظاهری تبدیل شده و از دیگر سو بیگانگان در تلاش برای کسب منافع بیشتر از این خاک زرخیز بودند. در این بین علاقه شدید شاهان قاجار به سفر اروپایی و خزانه خالی کشور و تعدد خواهی برخی فعالان فرهنگی سیاسی وقت هم دست‌به‌دست هم داده بود تا شکافی بزرگ در دل کشور بین مردم و حکومت ایجاد شود. وضعیت خراسان در این دوران نسبت به بسیاری دیگر از نقاط کشور بدتر بود. روسیه تزاری با الگوبرداری از بریتانیا و باتوجه‌به شرایط خاص کشور نه‌تنها چشم طمع به ذخایر این خطه داشت که در تلاش بود با ایجاد شرایطی مانند شرایط قرارداد آخال با دیگر بخشی از خراسان را به سرزمین خود اضافه کند. حاکمان منتصب به شاهان قاجار خراسان که همگی شاهزاده بودند هم به این دلیل که اغلب با دادن رشوه‌های بالا حکم فرمانروایی ایالت خراسان را در دست گرفته بودند، تنها به دنبال کسب درآمد بیشتر از این خطه بودند و توجهی به وضعیت معاش و زندگی مردم نداشتند. در این میان اغلب تولیت‌های روی کار آمده در آستان قدس هم تنها به فکر بهبود شرایط مالی اجتماعی خود و در موارد معدودی کسب وجهه اجتماعی بهتر بودند تا در بارگشت به پایتخت جایگاه بهتری در سیستم حکومتی پیدا کنند. این شرایط باعث شده بود تنها پناه مردم علما و روحانیون باشند، روحانیونی که برخی چون «آقازاده خراسانی» «چهره‌هایی مستقل بودند و از طریق نشر دین و احکام مبین و پرورش شاگرد روزگار می‌گذراندند؛ یکی از برجسته‌ترین این افراد که از منظر علم دین به‌سان یک مرجع تقلید کامل است.» «سیدعبدالمجید ثقة الاسلام» خادم‌باشی کشیک نخست حرم‌رضوی در سه دهه پایانی قرن ۱۲خورشیدی است؛ مردی که اکنون از او به عنوان کسی یاد می‌شود که تلاش کرد پس از به توپ بستن حرم مطهر، نظم را به این حریم مقدس بازگرداند.

● نسب‌شناسی خاندان «فیاض»

ثقة الاسلام سید عبد المجید مجید فیاض . سال ۱۲۷۷قمری (برابر با ۱۲۳۹خورشیدی) در بالاخیابان مشهد به دنیا آمد .براساس آنچه مهدی لاهی سال ۱۳۴۳ در شماره ۱۹ مجله نامه آستان قدس منتشر کرده است، نسب وی با هفده واسطه به شاه نعمت‌...ولی و از طریق او به اسماعیل بن جعفر الصادق ^(ع) می‌رسد اما در شجره‌نامه‌ای که میرزا محمدباقر رضوی تهیه کرده و سال ۱۳۵۲ در کتاب شجره طویه منتشر شده، سیزده واسطه بین وی و شاه‌نعمت‌...ولی مشخص شده است. در شجره‌نامه تهیه‌شده توسط میرزای رضوی، سیدعبد المجید نسل سوم میرزامهدی شهید، معروف به شهید ثالث، بزرگ خاندان های شهیدی، فیاض، حبیب‌اللهی، قوام شهیدی و... معرفی شده است. نکته جالب توجه درباره اجداد وی – حداقل از دوران میرزامهدی به این سو– خادم‌باشی بودن آنان در حرم مطهر رضوی است. این عنوان پس از سیدعبدالمجید هم به فرزندش علی اکبر خادم‌باشی رسید که بعدها با نام دکتر علی اکبر فیاض شناخته شد اما پس از او با تغییر نظام داخلی آستان قدس کسی صاحب این لقب نشد.

● «سید عبدالمجید» و دوران شاگردی «صدرالاطباء»

سید عبدالمجید پس از رسیدن به سن تمیز، نخستین آموزش‌ها نزد پدرش، میرزا علی اکبر، خادم‌باشی آستانه، فراگرفت؛ سپس برای آموختن علوم مقدماتی، منطق و مختصری از طب، نزد صدرالاطباء که برجسته‌ترین عالم ساکن مشهد در سال‌های میانه عهدناصرالدین‌شاهی محسوب می‌شد، زانوئ ادب بر زمین زد.

سید عبدالمجید سپس چندسالی را نزد شیخ الاسلام مشهد که او هم برترین چهره حوزه مشهد در آن ایام بود، شاگردی کرد و بعد از آن، برای آموختن بیشتر علوم دینی رهسپار عراق شد. وی دورانی را هم در نجف ساکن بود؛ مدتی را هم در درس شیخ‌های تهرانی، از شاگردان برجسته شیخ مرتضی انصاری و صاحب کتاب محجه‌العلماء، شاگردی کرد و پس از کسب اجازه اجتهاد از وی به مشهد بازگشت. نکته مهم درباره این دوره زندگی سید عبدالمجید تأثیر ویژه دو استاد بزرگش در سبک زندگی آینده اوست. سید عبدالمجید از یک سو گریزان بودن از نام و شهرت را از میرزا حبیب‌...رشتی آموخت و از دیگر سو مانند شیخ‌های تهرانی در بیان اندیشه‌اش و مخالفت با آنچه خلاف دین می‌دانست، به شدت تندتیز و به اصطلاح امروزی متعصب بود.

● قاضی دعاوی مردم و خادم‌باشی حرم حضرت رضا^(ع)

سید عبدالمجید پس از بازگشت به مشهد، در نخستین گام در یکی از شبستان‌های مسجد گوهرشاد (این شبستان تا سال‌های سال به نام شبستان ثقة الاسلام شهرت داشت) به اقامه نماز پرداخت و هم‌زمان به تدریس در همان شبستان و مدارس بالاتر، در داخل خان و سلیمانیه مبادرت کرد. او هم‌زمان با تدریس، در مناسبت‌های خاص به منبر

فتو مشهد

مرضیه‌ترابی|فرجام برخی از گورستان‌های تاریخی مشهد، تبدیل شدن آن‌ها به بوستانی مصفاً بوده است. بوستان کشور، در انتهای سی‌متری طلاب یا خیابان شهیدمفتح امروزی، یکی از این گورستان‌های قدیمی است که امروزه شکل و شمایل کاملاً متفاوت به خود گرفته است؛ با این حال، تبدیل گورستان‌ها به بوستان‌های عمومی در روند توسعه‌شهری، برنامه‌ای مربوط به امروز نیست و دست‌کم از هفت ده قبل در مشهد مورد توجه بوده و باعث ایجاد فضاهای سبز شهری متعدد شده است؛ به عنوان نمونه می‌توان از بوستان «میرزا کوچک خان» یاد کرد که امروزه در فضایی میان بازار رضا و خیابان دانش شرقی قرار دارد و طبق ادعای برخی، بر روی گورستان محله کهن سال «دستجرد» ساخته شده است؛ بوستانی که برخی آن را یکی از قدیمی‌ترین بوستان‌های عمومی مشهد می‌دانند و قدمتش را به دهه ۱۳۳۰ خورشیدی می‌رسانند. در «فتومشهد» امروز، دو تصویر قدیمی از این بوستان با سابقه می‌بینید که روزگاری به «پارک کورش» مشهور بود. پارک کورش روی زمین‌هایی ساخته شد که زمانی در محدوده بیرون از باروهای شرقی مشهد و در مجاورت کوره‌پزخانه‌های پربعدا این منطقه واقع بود؛ کوره‌های «هوفمان» که به دلیل دودکنش‌های بسیار بلندشان، در میان مشهدی‌های دیروز و امروز شناخته شده است؛ با این حال، محدوده بوستان میرزا کوچک‌خان جدید و پارک کورش قدیم، از نظر تاریخی در مجاورت گورستان تاریخی مسیحیان مشهد قرار داشت. اینکه از واژه مسیحیان استفاده می‌کنم و سخنی از ارامنه به میان نمی‌آورم، دلیل دارد. گورستان ارامنه، جایی در جبهه غربی شهر مشهد و بیرون از باروهای آن قرار داشت و امروزه در انتهای بولوار شهیدکریمی و تقاطع آن با خیابان عامل، روبه‌روی مرکز تلفن شهید مطهری

می‌رفت و به ارشاد مردم می‌پرداخت و در کنار آن به عنوان قاضی به رفع دعاوی مردم، به‌ویژه اهل بازار، اقدام می‌کرد.

روزگار سیدعبدالمجید این‌گونه طی می‌شد تا اینکه پس از فوت پدر، عنوان خادم‌باشی حرم حضرت رضا^(ع) از سوی تولیت وقت آستان قدس به او اعطا شد و پس از آن، او به‌صورت رسمی از مدیران حرم‌رضوی شد. اندکی بعد و پس از سفر دوم ناصرالدین‌شاه به مشهد و آگاه شدن از خدمات سیدعبدالمجید، وی که در نزد مردم به‌عنوان «ثقة الاسلام» شهر شناخته می‌شد، در فرمانی از سوی چهارمین شاه دودمان قاجار به عنوان ثقة الاسلام خادم‌باشی به نظامی ضریح مطهر رضوی منصوب شد و بدین‌گونه به دومین شخص آستان قدس پس از متولی‌باشی تبدیل شد. ناگفته نماند که سیدعبدالمجید در این دوران علاوه بر وظایف ذکر شده اقدام به نوشتن کتابی در طهارت و صلاه کرد. جایگاه سیدعبدالمجید در دوران سلطنت مظفرالدین‌شاه هم به‌رغم تغییر متولی‌باشی‌ها، تغییری نکرد و به همین دلیل به‌صورت غیررسمی او تبدیل به شخصیت نخست آستان قدس شد. درست به همین دلیل هم بود که محمدعلی‌شاه در اوج مخالفت با مشروطه خواهان تلاش کرد با صدور فرمانی جدید، سید را با خود همراه کند. محمدعلی‌شاه، در این فرمان ضمن اعطای یک خلعت و یک حلقه انگشتری الماس، سید را به‌صورت رسمی و قانونی ملقب به ثقة الاسلام کرد تا عنوان مردمی وی، عنوانی رسمی و دولتی شود.

در ادامه، سیدعبدالمجید که براساس تفکر دینی خود، دل خوشی از مشروطه و مشروطه خواهان نداشت و آنان را افرادی ضداسلام و وابسته به انگلستان می‌دانست، در روزهای نخست این جریان با علم به اینکه سران شورش بامحمدعلی‌شاه مخلوع شده‌توسط مشروطه‌خواهان هماهنگ هستند، مانند تولیت سکوت اختیار کرد؛ البته این سکوت در پی ناپاید و خادم‌باشی با دیدن همراه شدن قوای روسیه با شورشیان و سپس اشغال شهر توسط ارتش روسیه تزاری، تغییر جهت داد و تلاش کرد از طریق گفت‌وگو با طرفین ماجرا تا حد امکان از آسیب دیدن حرم مطهر جلوگیری کند اما سران شورشیان مستقر در حرم مطهر با وی همراهی نکردند و حرم مطهر رضوی توسط قوای روسیه در فروردین ۱۲۹۱ خورشیدی، در دوران تولیت مرتضی‌قلی‌خان نائینی به توپ بسته شد. ثقة الاسلام خادم‌باشی پس از این واقعه هم، همه تلاش خود را به‌کار بست تا در سریع‌ترین زمان ممکن خسارات وارده به حرم مطهر رضوی را جبران کند و در این راه از داشته‌های مادی خود هم استفاده کرد.

● بدبینی به روسیه تزاری پس از به‌توپ بستن مجلس

خادم‌باشی که تا قبل از به‌توپ بستن حرم مطهر براساس تعصبات دینی و مخالفت با مشروطه‌خواهی نگاه مثبتی به روسیه تزاری داشت، پس از این واقعه، به آنان هم بدبین شد. این بدبینی تا آنجا پیش رفت که پسرش دکتر علی‌اکبر مجیدفیاض، به‌عنوان یک‌تنشه‌علوم جدید، مجبور



طرح: روزگار و جنگ شوراز

شد بسیار مخفیانه زبان روسی بیاموزد. مرحوم عبدالمجید مجیدفیاض نوه خادم‌باشی در یادداشتی که در رثای عموی خود نوشته، با اشاره به یک ماجرا، چنین نوشته است: «ما قوم و خویشی داشتیم به نام میرزامهدی‌امین‌شهیدی که روزگاری هم در اداره پست و تلگراف شاغل بود؛ مردی بود اهل ذوق و مطالعه، با افکار ترقی‌خواهانه و روشن و جهان‌بینی وسیع‌تر از هم‌سن‌وسال‌های خود، یکی دوسالی از دکتر فیاض بزرگ‌تر ولی به اقتضای روابط خانوادگی با هم معاشر نمی‌دانم که چگونه، ولی می‌دانم که زبان روسی را در حد یک معلم می‌دانست. دکتر فیاض به روایت عمه من که خواهر هم‌سن‌وسال او بود و با تأیید پدر من، آموختن زبان روسی را نزد میرزامهدی‌امین‌شهیدی آغاز کرده بود، اما از ترس جناب ثقة الاسلام جرئت ابراز این کار خود را نداشت. راویان این روایت می‌گفتند هر وقت میرزا علی‌اکبر به توالیت می‌رفت، ما از همین زمان اندک، برای انجام تکالیف درسی روسی استفاده می‌کرده و از ترس پدر، چاره‌ای دیگر نداشته است...»

● پایان روزگار خادم‌باشی آستان قدس رضوی

آخرین مواجهه سیاسی ثقة الاسلام در سال‌های پایانی عمر به دلیل گسترش هرج و مرج در کشور و تغییر زیاد متولیان آستان قدس و البته دلزدگی نسبت به سیاست و مسائل سیاسی پس از جریان به‌توپ بستن حرم مطهر رضوی تنها به امور دینی می‌پرداخت. آخرین ردپایی که از وی در امور سیاسی دیده شده به دوران حضور کلنل محمدتقی‌خان پسیان در مشهد بازمی‌گردد. وی در این دوران و در جریان بازداشت

باران قوام السلطنه، والی معزول خراسان، مدت کوتاهی را در بازداشت کلنل بود. اما با وساطت علمای شهر، به‌ویژه مرحوم آقازاده خراسانی آزاد شد. ثقة الاسلام پس از آن، هنگام آغاز تلاش پسیان برای انجام اصلاحاتی در نحوه اداره آستان قدس رضوی به مخالفت با این امر پرداخت. اما با آگاه شدن از اهداف کلنل تغییرمشی داد و به همراهی با او اقدام کرد. این همراهی تا آنجا پیش رفت که پس از شهادت کلنل پسیان او در کنار مرحوم آقازاده در مراسم تشییع حاضر شد و برای پسیان عزاداری کرد. میرزاسیدعبدالمجید ثقة الاسلام خادم‌باشی سرانجام پس از عمری تلاش در راه آنچه خود حق می‌دانست، در نیمه‌رمضان سال ۱۳۴۱ قمری (برابر ۱۹ دیبهرشت ۱۳۰۲ خورشیدی) درگذشت و پس از تشییعی باشکوه در رواق پشت سر مبارک صفه مرحوم قوام‌الملک شیرازی به خاک سپرده شد.

از او سه پسر به نام‌های علی اکبر خادم‌باشی یا مجیدفیاض، سیدطاهر مجیدی و سیدعبدالحسین مجیدفیاض باقی ماند که در این بین علی اکبر خادم‌باشی بعدها با نام دکتر علی اکبر فیاض به‌عنوان مؤسس دانشکده ادبیات مشهد راه پدر را در تلاش برای افزایش دانش و آگاهی مردم ادامه داد. سیدعبدالمجید مجیدفیاض، فرزند سید عبدالحسین، هم شناخته‌شده‌ترین نوه ثقة الاسلام است که اهل فرهنگ و ادب مشهد او را به‌عنوان مدیر نشریه ادبی هیرمند می‌شناسند.

منابع: جلد۱ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، کارنامه فیاض، اثر دکتر سلمان ساکت؛ از: باغ قصر تاقصر آرزوها، نوشته عبدالمجید فیاض، قیام کلنل محمدتقی‌خان پسیان، اثر علی آذری، شمس‌الشموس و نشریه نامه آستان قدس شماره ۱۹ سال ۱۳۴۳.

